

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ اپریل ۲۰۲۰

صبر طالب به پایان رسید!

یکشنبه - ۳۱ حمل ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به اخبار امروز افغانستان دقت نموده باشید، حتماً متوجه شده اید که در جمع سایر اخبار، یکی هم ادعای طالب است مبنی بر این که از تاریخ امضای موافقتنامه صلح با امریکا الی تاریخ ۱۰ اپریل، نیروهای نظامی امریکا بیشتر از ۵۰ مورد متن توافقنامه را نادیده گرفته، با حملات متعدد شان تعدادی از افراد طالب و باشندگان ملکی ساکن مناطق تحت نفوذ طالب را به قتل رسانده اند.

این یادداشت که در واقع واکنشی در قبال ادعا های طرف مقابل یعنی دولت دست نشانده نسبت به تشدید فعالیت های طالب بعد از ختم دوره کاهش خشونت ها می باشد، موضوع بحث ما را می سازد:

۱- قبل از همه باید این نکته را هیچ زمانی از یاد نبرد که کسی نمی تواند تضمین نماید که آنچه امروز اتفاق می افتد بخشی از یک ستراتیژی فریبکارانه امپریالیسم امریکا نباشد. چه، تا جایی که از مطالعه سیاست ها امپریالیسم امریکا در قبال دشمنانش بر می آید، آنها در تمام درگیری ها و معضلاتی که با نیروهای مخالف شان در اقصا نقاط جهان داشته اند، ادامه کشتار در پناه توافقنامه های صلح یکی از خطوط اساسی عملکرد آنها را می ساخته است. امری که از ویتنام و کامبوج شروع الی تمام امریکای لاتین و افریقا و آسیا ادامه داشته است.

بر مبنای این ستراتیژی امپریالیسم امریکا با نیروی مخالفش موافقتنامه آتش بس، صلح و ختم جنگ را امضاء می نماید، مگر در عمل هر زمانی که دلش بخواهد و یا هم منافعش ایجاب نماید، نقض موافقتنامه را به مثابه "حق خاص" برای خود محفوظ نگه داشته، به کشتار و ترور طرف مقابل دست می زند. به عبارت ساده تر، امپریالیسم امریکا از امضای موافقتنامه، یک هدف را تعقیب می نماید، خلع سلاح و نابودی طرف مقابل و ادامه کشتار خودش به اشکال دیگر، یعنی هدفی را که با جنگ و خونریزی نتوانسته و یا نتواند برآورده سازد، زیر نام امضای موافقتنامه صلح به دست آرد.

۲- نکته دوم اوجگیری تضاد های درونی طبقه حاکمه امپریالیسم امریکاست که به واحد ها و شعبات پراکنده و حتا متضاد یک دیگر تقسیم شده اند. از جمله تضاد درونی بین نیروهای امنیتی فعال ۱۶ گانه در امریکا، تضاد و کمکش بین جناح های مختلف سرمایه و تلاش هریک جهت ناکامی دیگری، تضاد بین کاخ سفید با پنتاگون، تضاد بین وزارت خارجه با پنتاگون، تضاد بین مجالس سنا و نمایندگان با کاخ سفید و ده ها نوع از این قبیل باعث می گردد، که یکی

جهت تخریب دستاورد دیگری اقدام نماید. از بارزترین نمونه های آن وادار ساختن "ترمپ" به قبول مواضع نیروهای امنیتی به خصوص وزارت دفاع و "سیا" در قبال خروج نیروهای امریکائی از سوریه و عراق بود. یعنی در حالی که "ترمپ" از موضع "مستأجر" رسمی کاخ سفید خروج سربازان امریکائی از سوریه و عراق را بخشی از برنامه کارش اعلام داشت و دستور اجرای آنها را داد، دولت سایه از طریق وزارت دفاع و بقیه جنرالان وی را وادار ساختند تا حرفش را پس گرفته و به دوام اشغال نظامی آن دو کشور حکم صادر نماید. عین قضیه می تواند در مورد تخطی از موافقتنامه صلح با طالب نیز عمل شده باشد، یعنی نیروهای امنیتی به خصوص "سیا" و وزارت دفاع که به هیچ وجه موافق به خروج نیروهای اشغالگر از افغانستان نیستند و حضور نظامی در افغانستان را یکی از دستاوردهای نظامی ستراتیژیک شان می دانند و از جانب دیگر اختلافاتی هم بین کاخ سفید- وزارت خارجه در یک طرف و وزارت دفاع در طرف دیگر در تمام عرصه ها خود را متبازر ساخته است، آگاهانه و هدفمندانه نخواهند با تخطی از موافقتنامه و ادامه تخطی ها، در نهایت بر موافقتنامه خط بطلان کشیده، بدان سان شکستی را بر وزارت خارجه و کاخ سفید تحمیل بنمایند.

ادامه دارد